

عنوان مقاله:

انگاره های جنسیتی در هزار و یک شب

محل انتشار:

مجله تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)، دوره 9، شماره 33 (سال: 1396)

تعداد صفحات اصل مقاله: 24

نویسندگان:

فاطمه اسمعیلی - مدیر / اداره آموزش و پرورش شهرستان بوشهر

سید احمد حسینی کازرونی - استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر

مریم پرهیزکاری - استاد یارگروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران

خلاصه مقاله:

هزار و یک شب یکی از متون ادبی چند ملیتی است که عناصر فرهنگ های ملل گوناگون را در خود جای داده است. در این اثر به وضوح، فرهنگ جنسیتی و نظام مردسالار به چشم می خورد، پژوهش حاضر با بررسی حکایت های هزار و یک شب، انگاره ها و اندیشه های جنسیتی فرهنگ گذشته ی شرقی را به نمایش گذاشته؛ نقش هر یک از دو جنس (زن و مرد) را در این فرهنگ تبیین کرده است. این پژوهش، با هدف بررسی و نمایاندن وضعیت فرهنگی جوامع شرقی در عهد قدیم به ویژه عصر ساسانی، نقش و جایگاه زنان و مردان در تقابل با همدیگر (تقابل های جنسیتی) تدوین شده که در آن شهرزاد به عنوان الگوی تمام عیار جنسیت زن و شهریار نماد جنسیت مرد و نظام مردسالاری معرفی شده است. یافته های تحقیق نشان می دهد، زن در تمام حکایت های هزار و یک شب دارای نقش های متفاوتی است؛ تمام سعی و تلاش شهرزاد بر این است که نقش های مختلفی به زنان قصه هایش واگذار کند که از یک طرف قابل پذیرش در جامعه ی مرد سالار عهد ساسانی باشد و از طرف دیگر برای شهرزاد بسیار مهم است که بتواند ذهن بیمار گونه شهریار را تلطیف کرده و آماده دریافت نقش های مثبت برای زنان باشد.

کلمات کلیدی:

هزار و یک شب، انگاره، جنسیت، انگاره های جنسیتی، نقش

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1304147>

